



نگاهی گذرا به معیار اثر گذاری مطلوب اقدامات بر کیفیت زندگی مردم، در تجربه همکاری مشترک با بانک جهانی

گفت‌وگو با مهرداد جواهری پور*

حاشیه‌نشینی در ایران» که در مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران انجام شد در کانون توجه قرار گرفت. این مطالعات که با تأکید بر محلات اکبرآباد و سلطان‌آباد تهران انجام شد، چندین نتیجه عمده داشت.

اولین نکته آن بود که تصویری که در مورد اسکان غیررسمی وجود داشت به کلی دگرگون شد. یعنی در این زمان پی برده شد که ساکنان این مناطق گروه‌های کم‌درآمدی هستند که الزاماً مهاجر نیستند، بلکه سرریز اجتماعی و اقتصادی شهر تهران هستند که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به دلیل افزایش قیمت زمین و خدمات در تهران، به دنبال مکانی متناسب با منابع مالی خود، از تهران خارج شده‌اند. همه فکر می‌کردند این افراد مهاجرانی هستند که قصد بازگشت به مبدأ خود را دارند. در حالی که اگر واقعاً می‌خواستند به مبدأ خود بازگردند، باید به تهران بازمی‌گشتند. درست است که به مرور مهاجران خارج استانی نیز به این مناطق وارد شدند، ولی بسیاری از این افراد متولد شهر تهران و اصالتاً متعلق به همین جا بودند. افراد در طی زمان برای مکانی که در آن حضور دارند منزلت مکانی خاصی قائل می‌شوند. مثلاً افرادی که در حال حاضر

ارزیابی شما از فعالیت‌هایی که ذیل برنامه همکاری با بانک جهانی در زمینه ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی انجام شده چیست؟ میزان تأثیر گذاری این برنامه و اقدامات بر ابعاد مختلف زندگی مردم چقدر بوده است؟

ترجیح می‌دهم با مروری اجمالی بر پیشینه موضوع سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کشور، ابتدا گذری بر مطالعات در این حوزه داشته باشم و پس از آن به برنامه‌ها و تجربه همکاری مشترک با بانک جهانی بپردازم. شاید بتوان گفت بحث اسکان غیررسمی با مطالعات پراکنده‌ای در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نظیر مطالعه مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی در مورد آلونک‌نشین‌های شهر تهران آغاز شد. در دهه ۶۰ نیز دکتر پیران در زمینه مباحث نظری توسعه شهری و شهرنشینی شتابان در ایران چندین مقاله پیوسته در مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی به چاپ رساند. پس از این دو مرحله، موضوع اسکان غیررسمی، به نظر من، در سال ۷۳ با طرحی با عنوان «علل و پیامدهای